

دیپلماسی پیامبر (ص) و ابزارهای توسعه روابط بین الملل با سایر دولت ها

احمد رضا خزائی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۳/۵/۱۳ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۲۶)

چکیده

جایگاه دیپلماسی و رفتار سیاسی در پی گیری اهداف و منافع کشورها که از گذشته تاکنون مورد توجه دولتمردان و سیاست گذاران بوده، طرح موضوع و تبیین دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام را بیش از هر زمان دیگر حایز اهمیت نموده است. از نظر تاریخی، دیپلماسی در قالب شیوه های مسالمت آمیز و استفاده از مذاکره و گفتگو برای ختم جنگ، اعاده صلح و تامین اهداف معنا یافته است و به حکومت پیامبر اسلام (ص) و نیز دوره های قبل از میلاد باز می گردد.

این مقاله با عنایت به ضرورت موضوع در صدد است تا با استناد به منابع تاریخی اسلام، دیپلماسی دولت اسلامی و سیره و رفتار سیاسی پیامبر (ص) را در حوزه روابط و سیاست خارجی دولت اسلامی تبیین نموده و در پاسخگویی به جایگاه و ماهیت دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام از سیر تطور تاریخی و نمودهای تاریخی دیپلماسی پیامبر اسلام (ص) و همچنین اصول و مبانی دیپلماسی به همراه ابزارهای دیپلماسی و رفتار سیاسی بهره جوید.

کلید واژه ها: اسلام، دیپلماسی، پیامبر اسلام (ص)، رفتار سیاسی، سیاست خارجی

مقدمه

دیپلماسی و رفتار سیاسی در جوامع جهانی از گذشته تاکنون دارای جایگاه و اهمیت ویژه ای بوده و رفتار دیپلماتیک دولتمردان و سیاستمداران در روابط بین المللی از این جایگاه معنا و تبلور یافته است. دین اسلام آیینی است که نه تنها به مباحث ایمانی و اعتقادی شخص توجه داشت بلکه برای تمامی شئون زندگی انسانی اعم از فردی و اجتماعی برنامه و راهکار ارائه داده است. بر همین اساس تبیین و تحلیل این جایگاه از منظر اسلام نیز قابل بررسی بوده به گونه ای که پیامبر اسلام (ص) که پیام آور و الگوی بسیار اساسی در تمامی شئون زندگی اعم از مدیریت، حکومت و سیاست می باشد به اهمیت این جایگاه پرداخته و در سیره و رفتار سیاسی خویش در روابط خارجی نقش دیپلماسی را پر رنگ تر از مفاهیم دیگر معنا نموده است.

بیداری جهان اسلام و گسترده‌گی روابط بین الدولی و بین المللی در قالب روابط دیپلماتیک و کنسولی کشورهای جهان، ضرورت دیپلماسی را با رویکرد اسلامی مبرهن ساخته است. اگر دیپلماسی را هنر مذاکره و یک وسیله کاربردی در راستای نیل به اهداف بدانیم، دیپلماسی پیامبر اسلام می تواند الگوی برتر در این زمینه باشد زیرا شیوه

های حضرت بر جهان بینی واقع بینانه و اصول و ارزش های انسانی متکی بوده و خاستگاه الهی داشته است. در واقع زیربنای دیپلماسی پیامبر اسلام (ص)، رساندن پیام انسان ساز وحی به همه ملت ها در همه زمان هاست. هدف اسلام جز رساندن انسان به کمال واقعی و ایجاد حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل نمی باشد. تصویر کلی که امروزه از دیپلماسی، بویژه در روابط استکباری، در اذهان وجود دارد، مفهومی آمیخته با شیطنت، فریبکاری، دغلبازی، دروغ، نفاق، مخفی کاری، افتخار، امتیاز طلبی، گزافه گویی، عهدشکنی، سوء استفاده از فرصتها و امکانات به معنی فراستهای وارونه و دیگر ارزشهای منفی است، تا آنجا که زبان دیپلماسی به زبان رمز شهرت یافته است. در بررسی دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام به ویژه در زمان پیامبر اسلام (ص) با شیوه دیگری از برخوردهای سیاسی آشنا می شویم که بر خلاف آنچه امروز متداول است، توأم با صداقت، صراحت، سادگی، عدم تظاهر به قدرت، قاطعیت، دلیری و شجاعت است و دانستن و بررسی چنین شیوه ای می تواند از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد.

هدف این مقاله از بررسی و تحلیل جایگاه دیپلماسی و رفتار سیاسی، بررسی و مطالعه روشها، شیوه های برخورد و واکنشهای سیاسی است که اسلام در روابط بین ملتها و دولتها به عنوان خط مشی های اصولی ترسیم کرده و در برخوردهای پیامبر اسلام (ص) در روابطی که با ملتها، اقوام و سران کشورها و زمامداران عصر خویش داشته است می باشد. بر همین اساس در این مقاله به تطور تاریخی دیپلماسی و اصول و مبانی سیاست خارجی پیامبر اسلام (ص) و ابزارهای و شیوه هایی که ایشان در جهت دستیابی به یک دیپلماسی فعال به کار گرفته اشاره می نمائیم.

چارچوب تئوریک

دیپلماسی، به عنوان یکی از ابزارهای سیاست، از اصول، اهداف و مبانی رفتار سیاسی و سیاست خارجی متأثر است. از سوی دیگر، به دلیل آن که سیاست خارجی یکی از حوزه های روابط بین المللی است تحت تأثیر نگرش و ماهیت یک مکتب نسبت به ماهیت روابط خارجی و بین المللی قرار دارد. بنابراین از دیدگاه اسلام درک ماهیت دیپلماسی از نقطه عزیمت روابط بین المللی آغاز می شود. در رویکرد اسلام جهت گیری سیاست خارجی دولت اسلامی تحت تأثیر ماهیت روابط خارجی و بین الملل قرار دارد و این جهت گیری، به نوبه خود ماهیت دیپلماسی این دولت را تعیین می کند. از دیدگاه اسلام، ماهیت روابط خارجی از یک سو و اصول و مبانی سیاست خارجی از سوی دیگر، چهره واقعی دیپلماسی اسلامی را بیان می کند. بدین ترتیب، درک ماهیت دیپلماسی مستلزم تبیین دیدگاه های مطرح در نظام بین الملل می باشد و مقایسه ایده این دیدگاه ها با دیدگاه اسلام در زمینه دیپلماسی و رفتار سیاسی می باشد. (دبیری، ۱۳۷۴، ۶۳)

از دیرباز دو نگرش عام و فراگیر به عنوان گفتمان غالب نظریات سیاست خارجی در نظریه پردازی در حوزه سیاست خارجی و نحوه رفتار سیاسی کشورها مؤثر بوده است. گفتمان رئالیسم و ایدئالیسم که هر یک از نظر فلسفی و انسان شناسی متفاوتی به تحلیل و مطالعه مسائل بین المللی و سیاست خارجی پرداخته و در نهایت هر یک از آن ها تلقی خاص را از ماهیت نظام بین الملل و روابط خارجی عرضه کرده اند. دولت اسلامی در مطالعه سیاست خارجی ناگزیر است تا قبل از همه، ماهیت روابط خارجی و نظام بین المللی را روشن سازد زیرا تبیین ماهیت روابط

خارجی و نظام بین الملل و نحوه نگرش مکاتب و نظریات در این زمینه به صورت تبعی دیگر مسائل حوزه سیاست خارجی تاثیر خواهد داشت. (مورگنتا، ۱۳۷۴، ۱۰۵)

در این قسمت نگاهی کوتاه به ایده های دو گفتمان رئالیست و ایده آلیست داشته و در نهایت به رویکرد اسلام نسبت به دیپلماسی و رفتار سیاسی خواهیم پرداخت. مکتب رئالیسم با الهام از آموزه های انسان شناسی، سیاست شناسی و جامعه شناسی فلاسفه و اندیشه ورانی که به ماهیت انسان نگرش منفی دارند، به تجزیه و تحلیل مسائل بین المللی و رفتار سیاسی می پردازد. از منظر این مکتب، ماهیت روابط خارجی با جدال تنازع و جنگ دائمی برسر قدرت و منفعت همراه است. صلح و ثبات در میان جوامع بشری تنها آرمان و آرزویی است که هیچ گاه در چنین فضائی آرام و تحت اراده و اختیار انسان ها به وجود نخواهد آمد.

از دیدگاه رئالیسم، مکانیزم صلح در چارچوب نظریه موازنه قوا و باز دارندگی مطرح می شود که عمدتاً خصالتی اجبارگونه و غیر ارادی دارد. از سوی دیگر، مکتب ایده آلیسم به دور از تعارض ها تحلیل می کند. در این تلقی ماهیت روابط اجتماعی بر محور اخلاق استوار است و اساساً جنگ زائیده نادیده انگاشتن اخلاق و اصول انسانی است. بنابراین مکانیزم صلح عمدتاً در چارچوب تشکیل نهادهای جمعی و سازمان های بین المللی از طریق همکاری و تامین اخلاق و اصول انسانی مطرح می گردد. تعالیم و آموزه های اسلامی با اتخاذ موضع میانه در مورد سرشت و ماهیت انسان، روابط اجتماعی را با جنگ و صلح همراه می داند. جنگ برای برتری جوئی و صیانت ذات، جنگ برای ارضای کسب قدرت و انحصار گرایی و جنگ برای رفع تبعیض و تحقق عدالت اجتماعی و در مجموع از نظر اسلام جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن غرایز بر فطرت چیره می گردد. (قوام، ۱۳۷۹؛ ۷۲)

از نظر اسلام، مکانیزم صلح قطع ریشه های جنگ است که عمدتاً از طریق ایجاد رابطه منطقی میان غرایز و فطرت صورت می گیرد. انسان ها فطرتاً از جنگ نفرت دارند و به صلح و ثبات علاقه مندند، اما غریزه برتری طلبی و قدرت جوئی گاه این خواست عمیق فطری را زیر پا نهاده و روابط اجتماعی را به تعارض و جدال می کشاند. بنابراین در روابط خارجی اسلام نه جنگ اصل است، آن گونه که رئالیست ها می اندیشند و نه صلح همیشگی است، آن گونه که ایدئالیست ها باور دارند بلکه از نظر اسلام پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می دهند. اما در نهایت اسلام با توجه به رسالت جهانی اش در مورد دعوت همگان به سعادت و ایجاد رابطه صلح محوری و مسالمت آمیز دنبال نموده و در روابط خارجی اش با جوامع بیگانه، اصل را بر صلح و همزیستی مسالمت آمیز قرار می دهد. (بهزادی، ۱۳۸۶، ۵۵)

از سوی دیگر، چون از دیدگاه اندیشه اسلامی، صلح پایدار تنها بر محوریت قسط و عدالت اجتماعی استوار می گردد و ظلم و نابرابری مهمترین عامل تهدید کننده محسوب می شود. اسلام برای رسیدن به صلح عادلانه، مبارزه با ظلم را تجویز می کند. بنابراین صلح و رابطه مسالمت آمیز، محور شریعت اسلامی است زیرا در پرتو آن می توان دعوت دینی را انجام داد و از جدال سالم و حکمت و برهان بهره گرفت. از طرفی صلح در پرتو عدالت استقرار می یابد و لازمه تثبیت عدالت، ظلم زدائی است که آن خود نیز مستلزم جهاد اسلامی است. از همین رو از دیدگاه اسلام روابط اجتماعی صلح محوری است. (سید قطب، ۱۳۶۸، ۱۴۴)

بنابراین اسلام، رسیدن به صلح پایدار را قطع ریشه های جنگ می داند و در این زمینه به مودت و خصومت، نگرشی توأم و تلفیقی دارد. اسلام خصومت و جدائی میان افراد را ناروا می داند. اما به این واقعیت نیز توجه دارد که احساس خشم را که ریشه در غرایز انسانی دارد نمی توان از بین برد و فرد را به دلیل داشتن این احساس، مجرم نمی داند بلکه او را به فرو خوردن خشم فرا می خواند و این امر به معنای باز نمودن مسیر اعتدال و ایجاد رابطه منطقی و معتدل میان غرایز منفی و کمال جوئی انسان است. لذا مکانیزم صلحی که اسلام پیشنهاد می دهد توجه دادن انسان به هدف های عام، عالی و انسانی و خارج نمودن افراد از اندیشه های محصور، خود انگارانه و ناسیونالیستی است. در نهایت چنین اندیشه ای، انسان می فهمد که فرد برای خود زندگی نمی کند بلکه برای همه بشر زندگی می کند. اگر جوامع بشری که به هدف های عالی، انسانی و همه جانبه زندگی توجه کنند، دیگر جائی برای منازعات باقی نخواهد ماند.

به طور کلی، اسلام در روابط خارجی؛ صلح را قاعده و اصلی همیشگی و جنگ را استثنائی محدود به حالات ضروری و خاص می داند. اسلام برای صلح و آرامش، به حوزه های مختلف توجه نموده و می کوشد تا برای استقرار آن راهکارهائی عینی و منطبق با نیازهای انسانی عرضه کند. (آلاد پوش، ۱۳۷۲، ۸۷)

تطور تاریخی دیپلماسی در اسلام

از نظر تاریخی دیپلماسی به معنای به کارگیری شیوه های مسالمت آمیز و استفاده از مذاکره و گفت و گو برای ختم جنگ، اعاده صلح، تامین صلح و تامین اهداف است که به حکومت پیامبر اکرم (ص) و نیز دوره های قبل از میلاد باز می گردد. نکته مهم در تمایز دوره های تاریخی مختلف دیپلماسی، آن است که در گذشته گفت و گو و مذاکره ، فاقد چارچوب های قانونی و ضوابط علمی بوده و عمدتاً بر رسوم و آداب محلی دو طرف استوار بوده هرچند برخی از قواعد و مقررات دیپلماسی در تمدن های یونان و رم دیده می شود. اما در بیزانس توجه بیشتری به آنها شده و به صورت حرفه و فن، قوانینی بر آن وضع گردید. (نیکلسون، ۱۳۷۶: ۱۳)

دیپلماسی به مفهوم استفاده از شیوه های مسالمت آمیز در تعقیب اهداف و منافع، دارای تاریخی با سابقه برای تمدن بشری است. اما در این چارچوب آن چه حائز اهمیت است سیر تحول و تطور تاریخی این مقوله است. ماهیت اساسی دیپلماسی معاصر که آن را از دیپلماسی قدیم تفکیک می کند پیچیده تر شدن و مدون گردیدن و قاعده مند شدن آن است. بحث از ریشه ها و پیشینه تاریخی مسائل دیپلماسی به نحوی با تمدن اسلامی نیز گره می خورد. اسلام برای تعقیب اهداف خود در نخستین سالهای ظهورش یعنی دعوت بشر به تعالیم الهی از دیپلماسی استفاده کرد. پیامبر اسلام پس از انعقاد صلح حدیبیه در سال ششم هجری سفیران خود را به سوی روسای دولت های مجاور فرستاد و پیام کتبی خویش را به آنان اعلام کرد. این نامه ها به جانب قیصر رم، کسرای فارس مقونس، امپراتور مصر، نجاشی، مندر غسانی در شام، منذرین ساوی در بحرین و ملوک یمن و عمان ارسال شد که موضوع همگی آن ها دعوت به اسلام بود. ارسال نامه ها به سران ممالک، نقطه آغاز روابط خارجی دولت اسلام با بیگانگان بود که تحلیل آن ماهیت روابط سیاسی مسلمانان با غیر مسلمانان را از دیدگاه اسلام می نمایاند. (حسنی ، ۱۳۷۸،

هرچند در آغاز دیپلماسی، اسلام به صورت ساده و به دور از تشریفات اعمال می شد و قاعده مند نبود. اما رفتار عملی پیامبر(ص) قوانین و آداب دیپلماسی را در دوره های بعدی آشکار کرد. پادشاهان برخی از ممالک همراه نامه ها، هدایایی برای حضرت فرستادند که وی نیز با کمال میل آن ها را پذیرفت. همین امر سیره عملی و مبنای جواز قبول هدایای اهل حرب، نزد فقهای اسلامی تلقی شده و از سوی دیگر یکی از آداب دیپلماسی اسلام در عصر خلفای بعدی به اجرا در آمد.

از نخستین روزهای تشکیل دولت پیامبر(ص) به هر حال به دیپلماسی اسلام به دلیل داشتن اهدافی، چون نشر الدعوه الاسلامیه، تبادل الفداء الاسری، تحقیق و تفحص در مورد علاقه های مشترک، تحکیم و گسترش روابط فرهنگی و تجاری توجه شده است. این دیپلماسی از نظر اهداف در طول تاریخ متحول و دگرگون شده است. به عنوان نمونه دیپلماسی در آغاز اسلام عمدتاً برای نشر دعوت دینی به کار می رفت که از طریق مذاکره جهت انعقاد صلح، دفاع از اسلام و توسعه تعالیم دینی دنبال می شد. اما در دوره های بعد(عمدتاً عصر خلفای عباسی) وسیله ای برای تسهیل تبادل میان ملت ها، استحکام روابط تجاری و فرهنگی، مبادله اسیران و رفع منازعات به کار گرفته شد(خدروی، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

در هر حال به گواهی اسناد و مدارک تاریخی و به اذعان عده زیادی از مستشرقان و نویسندگان مسلمان، دولت اسلامی از بدو تولد، روش مسالمت آمیز و دیپلماسی را جایگزین جنگ کرد و برای تنفیذ و اجرای سیاست خارجی و تعقیب اهداف خویش شیوه های انسانی و مساعدی برگزید. گفته های حکیمان پیامبر(ص) در مورد مصونیت سفیران، هم چنین نامه ها و معاهده هایی که با امپراتوری ها و دولت های قبیله ای عربستان امضا کرده اند، می تواند موید و روشنگر این مطلب باشد. برخی از نویسندگان، مجموع پیمان ها، نامه ها، معاهده های صلح و امان نامه های ارسالی حضرت برای سران را دوستانه و چهل و شش مورد ذکر می کنند که نشان پویایی و بالندگی دولت پیامبر(ص) در عرصه روابط خارجی است. (جعفریان، ۱۳۶۹: ۵۷)

دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اسلام

دیپلماسی پیامبر اسلام(ص)، مجموعه ای از فعالیت هایی است که آن حضرت به عنوان رئیس حکومت، نمایندگان و سفرای منتخب او در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مشی های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه های دینی و دولتهای غیر مسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی، انجام می داده اند. در حقیقت، اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی بود که دیپلماسی پیامبر اسلام(ص) را معین می کرد.

رهبری کلی دیپلماسی در عصر پیامبر(ص) توسط شخص ایشان، طبق ضوابط مقابل و مقتضیات خاص و عامی بود که معمولاً بر آن روابط حاکم بود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۲۷۲)

اگر دیپلماسی را هنر مذاکره بدانیم یا آن را یک وسیله کاربردی برای رسیدن به هدف ها توصیف کنیم لذا این تعریف در مورد دیپلماسی فعال پیامبر اسلام(ص) به صورت بارزی صادق خواهد بود. ولی امتیاز دیپلماسی پیامبر اسلام(ص) در این است که شیوه های پیامبر اکرم(ص) بر قوانین اجتماعی و جهان بینی واقع بینانه و اصول و ارزشهای انسانی متکی بود و اساس آن را اصول و ضوابطی تشکیل می داد که از وحی و موازین شناخته شده عقلی

متکی نشات می گرفت. پیامبر اسلام (ص) در روابط خود با قبایل، اقوام، ملتها و سران کشورها، مردم را صاحبان اصلی حق برقراری روابط دیپلماتیک می شمرد. وی این روابط را نه به مفهوم سازش، بلکه وسیله رسیدن به توافق های سازنده تلقی می کند و به طور مطلق هیچ کدام از دیپلماسی و جنگ را جانشین هم نمی کند و هر دو را وسیله لازم برای رسیدن به حقوق مشروع و اهداف عالی انسانی می داند و آن دو را به صورت دو روش در مناسبات انسانی، ضرورتی اجتناب ناپذیر می شمرد (منتظری، ۱۳۷۴: ۸۹)

به دلیل انسانی بودن مناسبات در روابط دیپلماتیک، اصل آزادی، اختیار، احترام متقابل، نمایندگان اقوام و زمامدارانی که به نحوی در رابطه دیپلماتیک با آنان بود، آنها را پایه و اساس مذاکرات و مناسبات قرار می داد. ولی در همین حال بدون توسل و تظاهر به قدرت، از موضع قدرت و با کنجکاوی، دقت، قاطعیت و عدم پافشاری بر مسائل جزئی که احیاناً طرف مقابل نسبت به آن حساسیت فوق العاده داشت نسبت به اصول، سازش ناپذیر و مقاوم بوده در برابر پیامدهای احتمالی برخوردها، همچون در مکاتبه با سران چند امپراطوری مقتدر زمان خویش دلیر و شجاع بود (محمد، ۱۳۷۴: ۷۷)

پیامبر اسلام (ص) در طول تاریخ روابط سیاسی با اقوام و ملتها و در تمامی برخوردهای سیاسی با نمایندگان آنها و سران کشورها که جز در موارد خاصی به مخاصمه انجامید، اغلب موفق بود و این برخوردها یا به اسلام آوردن آنها منتهی می شد یا به توافقی و امضای قراردادهایی می انجامید. در هیچ کدام از این موارد نه خود پیامبر (ص) و نه نمایندگان هرگز از فریبکاری، دسیسه بازی، دروغ گفتن، نفاق افکنی، گزافه گویی، عهد شکنی تزویر و دیگر خصلتهای ضد ارزش استفاده نکرده و همواره از سادگی و صداقت به جای ابهام گویی و دو پهلو سخن گفتن به نفع خود و طرف مقابل بهره گرفتند. همچنین از نمایندگان اقوام و ملل و مکاتبات و حتی هدایای روسای کشورها استقبال کردند و هرگز در روابط و برخوردها منفعل نبودند و ابتکار عمل را در دست داشتند و هرگز مقهور قدرت و قدرت نمایی نشدند و در مواردی که از نظر قدرت نظامی و موقعیت سیاسی در موقعیت نابرابری بودند، تن به سازش و سستی ندادند و اصول را فدای روابط مقطعی و مصالح زود گذر نکردند. پیامبر اسلام (ص) در روابط دیپلماتیک نه فریب وعده های دیگران را می خورد و نه خود وعده هایی می داد که اطمینان بر اجرای آن نبود و همواره از برخوردهایی که موجب تنفر و سلب اعتماد طرف، مقابل می شد، اجتناب می ورزید و در عین حال، شیوه ای را در پیش می گرفت که او از ملایمت وی سوء استفاده نکند و به طمع نیفتد (محمد، ۱۳۷۴: ۷۹)

پیامبر اکرم (ص) جز در موارد خاصی که از طریق غیب به مسائل پنهانی و اسرار و نیات طرف مقابل آگاهی می یافت، همواره با تکیه به مسائل عادی، تاکید بر آن داشت که از ضمیر و نیات پنهانی طرف متخاصم آگاه شود و در این مورد از گروههایی که کار اطلاعاتی انجام می دادند سود می برد و به نمایندگان خود توصیه می کرد که پیش از هر نوع رابطه و از پس آن مسائل را با کنجکاوی و دقت تحلیل و بررسی کنند و از حوادث احتمالی غافل نباشند و عکس العملهای طرف مقابل را تحت مراقبت دقیق قرار دهند. پیامبر اکرم (ص) در موفقیتهایی که در روابط دیپلماتیک به دست می آورد دلباخته نمی شد و در شکستهای مقطعی نیز بی حوصله و مضطرب نمی نمود و همواره آرامش کامل داشت و با گشاده رویی سخاوتمندانه ای از نمایندگان اقوام و طوایف مختلف پذیرایی می کرد و

متواضعانه اما قاطع و قوی سخن می گفت و نمایندگانش نیز در عین مراعات نزاکت در محاوره، سخت مسلط و خویشتندار بودند (رشید، ۱۳۸۴: ۹۸)

گرچه پیامبر اسلام (ص) شخصا با سران کشورها و زمامداران زمانش ملاقات نکرد ولی با تعدادی از آنان به وسیله مکاتبه و نمایندگانش رابطه برقرار کرد و نمایندگانی را برای مذاکره یا دعوت به میان قبایل و اقوام مختلف فرستاد و خود شخصا با نمایندگان سران حکومتها و قبایل مختلف به مذاکره نشست و موافقتنامه و قراردادهایی را امضاء کرد. وی طی این مذاکرات و توافقات، امتیازاتی داد و امتیازاتی نیز گرفت و قراردادهای صلحی نیز منعقد ساخت و همواره برای رسیدن به توافق در قدر مشترکها از همه جهانیان خواست که با وی همکاری کنند و به مذاکره بنشینند (موسوی، ۱۳۸۶، ۶۵)

پیامبر اسلام برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافقات اصولی و کشاندن آنان به صورت منطقی و معقولی به پای مذاکرات صلح آمیز، از توافقات جزئی در مورد قدر مشترکها هرگز صرف نظر نمی کرد و با توافق و قرارداد و معاهده در زمینه مسائل فرعی، برای رسیدن به توافقات اصولی تر و بیشتر هموار می کرد، زیرا قصد دست یافتن به تمامی هدفها و توافقات در یک مرحله خود مانع بزرگ پیشرفت مذاکرات و ادامه روابط مثبت دیپلماتیک است، ولی با دستیابی به توافق بیشتر در مسایل ساده تر و کم اهمیت تر می تواند سر آغازی بر توافقات و حتی همکاری های مهمتر و اصولی تر باشد.

پیامبر اسلام نمایندگان و سفرای خود را از شخصیتهای بارز اصحاب خویش انتخاب می کرد و آگاهی، فراست، ذکاوت، علم و تقوا عمده ترین خصلتها و صفات مورد نظر آن حضرت در انتخاب نمایندگان بود. برخی از این نمایندگان برای مدتی کوتاه و گاه برای مدتهای طولانی به میان قبایل و اقوام فرستاده می شدند. از شیوه های پیامبر اسلام (ص) در برخورد های سیاسی، تالیف قلوب مخالفان و ایجاد انگیزه و تمایل قلبی در آنان برای حمایت از اسلام و حوزه مسلمان بود. همچنین وی در این مورد از کمکهای مالی و حمایت اقتصادی دریغ نمی ورزید. (موسوی، ۱۳۸۶، ۷۰)

شیوه های اصلی دیپلماسی پیامبر اسلام

- ۱- دعوت مستقیم
- ۲- اعزام مبلغ و مربی به مناطق دور و نزدیک برای دعوت مردم به اسلام و ابلاغ پیام وحی و مکتب به آنان
- ۳- اعزام سفرا و نمایندگان به سوی قبایل عرب، گروههای دینی و دولتهای مجاور
- ۴- مذاکره با سفرا و نمایندگان قبایل، گروهها و دولتها
- ۵- ارسال پیام کتبی و شفاهی به سران دولتها
- ۶- مذاکره و انعقاد قرارداد و پیمان اتحاد و دوستی و عدم تعرض و نیز قرارداد دفاعی و نظامی
- ۷- تشکیل کنگره های دینی برای بحث و گفتگو و سوال و مناقشه برای یافتن حقیقت
- ۸- برخورد فعال با توطئه ها و عهد شکنی ها، و خیانتها که با واکنش سریع پیامبر (ص) حل و فصل می شد.
- ۹- کسب اطلاعات از طریق اعزام افراد مجرب و نفوذی
- ۱۰- جهاد

اصول و مبانی سیاست خارجی اسلام

اصول سیاست خارجی، مجموعه‌های از تعالیم و آرزوهای دینی است که چارچوب کلان سیاست خارجی دولت اسلامی را شکل می‌دهد. این مجموعه ثابت و ماندگار و از نظر تفسیری، بر دیگر مسایل سیاست خارجی حاکم است.

پژوهشگران اسلامی در تعریف اصول سیاست خارجی بر این نظرند که اصول سیاست خارجی، مبادی و اساس روابط خارجی دولت اسلامی است که در منابع دینی چارچوب و اساس تنظیم روابط خارجی مطرح شده است. با عنایت به تعریف اصول سیاست خارجی این اصول را از مجموع آیات قرآنی ناظر به روابط خارجی را می‌توان در این محورها خلاصه نمود: اصل دعوت یا جهاد، اصل ظلم ستیزی و نقی سبیل، اصل عزت اسلامی و سیادت دینی، اصل التزام و پایبندی به پیمان‌های سیاسی.

البته در کنار این اصول برخی از پژوهشگران عنوان‌های دیگری نظیر تولی و تبری، تالیف قلوب و امر به معروف و نهی از منکر را مطرح نموده‌اند. به نظر می‌رسد اصول چهارگانه فوق برای این عنوان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. از این رو نیازی به ذکر مستقل و مجزای آنها نیست. اما در مورد تالیف قلوب ذکر این نکته، ضروری است که هر چند برخی آن را ذیل اصول سیاست خارجی اسلام بحث کرده‌اند اما از فلسفه تشریح این حکم و موارد اعمال آن این نکته را می‌توان دریافت نمود که تالیف قلوب، بیش‌تر با ابزارهای سیاست خارجی همخوانی دارد تا اصول، زیرا تالیف قلوب با آن چه که امروزه مداخله ابزارهای اقتصادی سیاست خارجی و کمک‌های انسان دوستانه مطرح می‌گردد شباهت بیشتری دارد. (سجادی، ۱۳۹۲، ۴۶)

گروه‌های مورد نظر پیامبر اسلام (ص) جهت برقراری رابطه دیپلماتیک عبارت بودند از:

- ۱- قبایل شبه جزیره عربستان، قبایل شهر نشین و صحرا نشین، به رغم نشست و حتی کشمکشها و خونریزیهایی که در میان آنها وجود داشت زمینه مساعدی را برای انسجام و تشکل میان آنها به وجود آورد.
- ۲- گروه‌های دینی که عمدتاً یهودیان، مسیحیان در نجران و حاشیه جزیره العرب؛ در مناطقی که در مجاورت امپراتوری روم سکونت داشتند جمعی از این گروه‌ها مسلمان و گروهی نیز با مسلمانان هم پیمان شدند و برخی از یهودیان نیز راه دشمنی و خیانت پیش گرفتند.
- ۳- دولتهای مقتدری که در دو سوی شبه جزیره عربستان قرار داشتند مانند امپراتوری ایران، روم و همچنین حبشه و دیگر دولتها.

۴- دولتهای کوچک و تحت الحمایه‌ای که زیر سلطه و نفوذ دولتهای مقتدر بودند و با گرویدن به اسلام و یا پیمان بستن با پیامبر اسلام توانستند از اسارت آن دولتها رهایی یابند. (سبحانی، ۱۳۶۷، ۵۴)

ابزارهای دیپلماسی در اسلام

جایگاه ابزارها در دیپلماسی بسیار قابل توجه می‌باشد به گونه‌ای که می‌توانند عاملی در کامیابی یا ناکامی دستگاه دیپلماسی موثر باشد. تبیین و مشخص نمودن هدف‌های دیپلماسی توجیه مناطق اهداف و استفاده به موقع از

روش های مذاکره، تهدید و اعطای پاداش، مهمترین شاخص های ارزیابی رفتار سیاسی و دیپلماتیک به شمار می رود. در بررسی جایگاه ابزارهای دیپلماسی در اسلام باید این نکته توجه داشته باشیم که رویکرد اسلام در مورد کاربرد هر گونه ابزار و شیوه دیپلماسی و رفتار سیاسی از گذشته تاکنون فقط در قالب و چارچوب اندیشه دینی و رابطه موجود میان غایات و ابزارها قابل تعمق است. (کی. جی، ۱۳۷۶، ۲۷۹)

از نظر اسلام، میان غایات و ابزارها نوعی رابطه وجود دارد که مهمترین نقطه تمایز اسلام از مکاتب بشری و اندیشه های سیاسی غیر دینی است. گفته شده که در دیپلماسی کنونی نیز میان اهداف و ابزار نوعی رابطه هست، اما ماهیت این دو نوع رابطه، کاملاً دو گونه و متفاوت است.

در دیپلماسی معاصر به ویژه تفکر واقع گرایی، هر نوع ابزار و روشی که بتواند زمینه های تحصیل اهداف و دستیابی به منافع را فراهم آورد، مطلوب است. لذا، میزان مطلوبیت و عدم مطلوبیت ابزارها و روش ها با توجه به میزان توفیق و کامیابی ابزار برای نیل به اهداف تحلیل می شود. ولیکن در اندیشه اسلامی، معیار ارزیابی ابزارها و روشها علاوه بر میزان دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلام در استفاده از ابزارها و روش ها، نمی تواند نظام ارزشی اسلام را نادیده بگیرد. بنابراین از نظر اسلام ابزارهای مورد استفاده در دیپلماسی باید انسانی و سازگار با اخلاق انسانی باشد، بدین ترتیب رابطه اخلاق و دیپلماسی به صورت جدی مورد توجه قرار می گیرد به گونه ای که سیره سیاسی پیامبر اسلام در مرادها و تعامل سیاسی استفاده از روش ها و ابزارهای غیر اخلاقی را نفی کرده و بر تطابق وسایل و ابزارها با اهداف فروع انسانی تاکید نموده است. (ابن فرآء، ۱۳۶۳: ۴۱)

در سیاست دینی اسلام میان هوشیاری و نیرنگ بازی تفکیک وجود دارد و سیاستمدار مسلمان ضمن پرهیز از خدعه و نیرنگ و فریب کاری، به هوشیاری و مراقبت دشمن و تحلیل شرایط و الزامات زمانی و مکانی فرا می خواند. بر این اساس در اسلام به مشروع بودن ابزار و انسانی بودن روشها همواره تاکید شده است. اخلاق و ارزش های اخلاقی، عنصری است که هیچ گونه جایگاهی برای روش ها و ابزارهای غیر اخلاقی در سیاست اسلامی باز نمی کند و اساساً در رویکرد اسلام، سیاست و هوشیاری از خدعه و نیرنگ جدا شده است. (ابن فرآء، ۱۳۶۳: ۴۵)

مهمترین ابزارهای دیپلماسی در اسلام

۱. ابزار سیاسی: مذاکره با سفیران و نمایندگان

مذاکره به مفهوم چانه زنی، استدلال و متقاعد کردن طرف مقابل، یکی از رایج ترین و عمومی ترین ابزارهای ارتباط در روابط خارجی و اقدامات دیپلماتیک محسوب می شود به گونه ای که برخی از صاحب نظران، دیپلماسی را مترادف با آن معنا کرده اند. یکی از مهم ترین دلایل روی آوردن به مذاکره کم هزینه بودن، ماهیت مسالمت جویانه آن و سابقه بسیار طولانی آن در حل منازعات و مهار جنگ های قبیله ای و ملی است. (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۷۵)

اهمیت مذاکره از دیدگاه اسلام به ماهیت و حقیقت این روش باز می گردد. اسلام به منظور دعوت و بسط تعالیم اسلامی، از روش جدال احسن، استدلال و مناظره بهره می گیرد. در آیات مختلف قرآن به روش های موعظه حسنه،

حکمت و جدال احسن، جهت بسط تعالیم اسلامی و انجام دادن رسالت دعوت تاکید شده است. در تاریخ اسلام و سیره سیاسی پیامبر (ص)، نمونه های متعددی از مذاکره های سیاسی و گفتگوهای برای گسترش اسلام و جلوگیری از جنگ و درگیری مشاهده می شود. برای مثال از مذاکره های حضرت با هیات نمایندگی یثرب در موسم حج، سالها قبل از هجرت را می توان یاد کرد که بعدها زمینه های بیعت طوایف اوس و خزرج با حضرت را در عقبه اول و دوم فراهم آورد.

مذاکره های پیامبر با سفیران و نمایندگان طوایف و گروه ها و اقوام حاکی بر این امر می باشد که اسلام در زمینه دعوت، حل مشکلات اقتصادی، اعطای مسئولیت های سیاسی و اداری، امضای قراردادهای دو جانبه از این ابزار به درستی بهره برده است. (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۶۵)

مذاکره در روابط خارجی پیامبر گرامی و سیره سیاسی آن حضرت از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. در اهمیت مذاکره در سیره رسول خدا (ص) همین بس که ایشان سفیرانی را به ممالک غیر اسلامی گسیل می داشت و آنان را موظف می نمود تا مذاکره را مقدم بر شیوه های خشونت آمیز بدانند. (سجادی، ۱۳۷۹: ۹۹) وظایف مهم سفیران و فرستادگان پیامبر را می توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- الف. دعوت به اسلام
- ب. مذاکره صلح و ترک مخاصمه با دشمن
- ج. مذاکره در باب مبادله اسیران جنگی پس از خاتمه جنگ
- د. مذاکره در مورد انعقاد قراردادهای مربوط به غرامت و امضای آنها
- ه. مذاکره در جهت ایجاد حسن تفاهم و جلب دوستی و انعقاد پیمان همکاری در زمینه های مختلف باکشور محل مأموریت.

۲. ابزار تبلیغاتی - فرهنگی:

فعالیت های دیپلماتیک در اسلام صرفاً در حوزه مذاکرات و چانه زنی سیاسی محدود نمی شد، بلکه چانه زنی یکی از ابزارهای دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اسلام بود. با توجه به اهداف دیپلماسی در اسلام که همواره بر محور تبلیغات و فعالیت های فرهنگی بر ایستارها و رفتارهای طوایف و گروه ها و قبایل مختلف تحت تاثیر بوده می توان به تاثیرگذاری این ابزار به خوبی دست یافت. اسلام بر خلاف دیگر ادیان، از نظر مخاطبان و گیرندگان پیام، دارای جامعیت و فراگیری منحصر به فردی است و مخاطبان خود را عموم ابنای بشر می داند و قوم یا دسته خاصی را مخاطب نمی داند. عام بودن تعالیم اسلامی، بیانگر ماهیت جهانی آن است که اسلام را یک دین جهانی مطرح می سازد. (کی.جی، ۱۳۷۶: ۳۵۵)

تبلیغات در حوزه سیاست خارجی، در چارچوب استدلال و موعظه به منظور ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی انجام می پذیرد. از نظر بازتاب و تاثیرهای تبلیغات در سیاست خارجی دولت اسلامی، ذکر این نکته حائز اهمیت است که دولت اسلامی، همواره با محیط خارجی در تعامل بوده و واکنش ها، بازتاب های رفتار خارجی اش را دریافت و بازبینی و اصلاح می کند. اگر در تبلیغات روش خاصی کارآمد و موثر باشد، تقویت و گرنه تغییر داده

می شود. لذا هنر سیاستمداران است که با توجه به شرایط بین المللی و واقعیات بیرونی از چه مفهومی و نمودهای تبلیغاتی می توانند بیشترین بهره را بگیرند.

لحن کلام و رفتار در سیاست خارجی خود می تواند نقش ابزار مهمی را ایفا کند. اسلام ضمن تاکید بر استدلال و جدال احسن، حیات طیبه و رحمت پیوند ایجاد می کند. کارگزاران سیاست خارجی دولت اسلامی، باید حمیت و رحمت را ترکیب کرده و در نحوه بیان نیز مدارا و سخت گیری را در هم آمیزند. در این مورد امام علی (ع) به پیوند نرم گفتاری و قاطعیت، حسن معاشرت و عزت اسلامی اشاره می کند. (غفوری، ۱۳۸۷: ۴۹)

در عرصه روابط خارجی فعالیت ها به حوزه مذاکرات و چانه زنی محدود نمی شوند، بلکه همواره تلاش بر آن است که از راه تبلیغات و فعالیت های فرهنگی رفتار های طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و رفتار های مطلوب را در آنها شکل می دهند. به همین دلیل یکی از ابزار های روابط خارجی رسول خدا (ص) اعزام مبلغان و دعوت کنندگان و فرستادن پیغام به بزرگان قبایل و سران کشورها بود. این تبلیغات و دعوت ها به صورت های ذیل انجام می پذیرفت:

الف) تماس مستقیم با افراد، سران و هیأت هایی که به مناسبت حج، به مکه می آمدند. پیامبر (ص) به رغم تنهایی و کار شکنی و آزار مشرکان این شیوه را به کار می بست. وی در این ملاقات ها، پیام و رسالت خود را مطرح می نمود و به این روش پیام خود را به گوش دورترین افراد دنیا می رساند.

ب) هجرت مسلمانان در دو نوبت به حبشه، انگیزه و ماهیت تبلیغی داشت.

ج) اعزام شخصیت های برجسته مسلمان مانند معاذ ابن جبل به یمن، علی (ع) به یمن، و مالک ابن مراره، عبدالله مهاجر بن ابی امیه، اقرع به عبدالله حمیر، ابوموسی اشعری، عبدالله بن زید، مالک ابن عباد، عقبه ابن زیاد و خالد ابن ولید.

د) اعزام هیأت های تبلیغی مانند هیأت هایی که به یمن و نجد و رجیع فرستاده شدند.

در کنار اعزام مبلغان به ارسال پیام ها و نامه ها به سران قبایل و دولتهای دیگر می پرداخت. پیامبر اکرم (ص) نامه ها و پیام های متعددی به سران قبایل، کشورها و رهبران ادیان و مذاهب فرستاده است. برخی از محققان شمار این نامه ها را بیش از سیصد مورد دانسته اند. (میانجی، ۱۳۶۳: ۵)

۳. ابزار حقوقی: انعقاد پیمان ها و قراردادهای

یکی دیگر از ابزار روابط خارجی پیامبر اکرم (ص) انعقاد قرار داد ها و پیمان های سیاسی بود که از جمله ی آن پیمان عقبه، منشور مدینه (شهیدی، ۱۳۵۹: ۵۴-۴۹) و صلح حدیبیه (مدرسی، ۱۳۷۵: ۴۸-۴۶) را می توان برشمرد. یکی از معا هدات رسول خدا پیمانی است که بین آن حضرت و نصاری نجران منعقد شد. نجران با هفتاد دهکده ی تابع خود، در منطقه مرزی حجاز و یمن واقع شده بود و در آغاز ظهور اسلام، تنها منطقه ی مسیحی نشین حجاز محسوب می شد که از بت پرستی دست برداشته و به این مسیح گرویده بود. پیامبر با فرستادن نامه ی به ابو حارثه اسقف نجران ساکنان آن دیار را به پذیرش دین مبین اسلام فرا خواند و هیأت نمایندگی نجران به مدینه آمدند تا با پیامبر (ص) گفت و گو نمایند و صحت و سقم نبوت آن حضرت را نیز بررسی نمایند. پس از بحث فراوان در باره حقانیت اسلام و نبوت پیامبر نمایندگان نجران مذاکرات خود را با رسول خدا قانع کننده نیافتند و هر دو طرف آمادگی

خود را برای مباحله اعلام نمودند. در این هنگام ایه مباحله نازل گردید و رسول خدارا مأمور کرد تا با کسانی که با او به مجادله و محاجه برمی خیزند وزیر بار حق نمی روند مباحله نمایند.

پیامبر اسلام برخلاف انتظار سران هیأت نمایندگی نجران، همراه با چهره های نورانی یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) در میان آنان آمد. مسیحیان به این نتیجه رسیدند که پیامبر در دعوت و ادعای خویش اعتقاد راسخ دارد. سرانجام، با وحشت مسیحیان از مباحله، پیمان صلح بین آنان و مسلمانان به امضاء رسید و مسیحیان متعهد شدند سالیانه مبلغی برای مالیات به دولت اسلامی بپردازند و در برابر آن، پیامبر (ص) نیز مسئولیت دفاع و جلوگیری از هر گونه ظلمی را از طرف مسلمانان به مسیحیان نجران و آزادی آنان در مراسم مذهبی رابه عهده گرفت.

۴. ابزار اقتصادی دیپلماسی اسلام:

ابزار اقتصادی دیپلماسی به موازات مقوله رفاه، رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت جدی برخوردار می باشد. از دیر باز، حکومت ها در کنار حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی، در صدد دست یابی به منابع اقتصادی، فرمت های تجاری و بازرگانی و کنترل تجارت منطقه ای و بین المللی برآمده اند. کمبود منابع اقتصادی و افزایش تصاعدی نیازمندیهای اقتصادی، بر فعالیتهای اقتصادی حکومتها افزوده است. ابزار اقتصادی دیپلماسی با توجه به مهم بودن فزاینده اقتصاد در عصر حاضر که به تدریج محور اصلی بازی و رقابت قدرتهای بزرگ را تشکیل می دهد، بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. (ستوده، ۱۳۸۶: ۹۷)

۵. تالیف قلوب:

یکی از تکنیک های مؤثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدف ها و تأمین منافع، استفاده از ابزار های اقتصادی و مالی است. در این راستا دولت استفاده کننده از این ابزار تلاش می نماید که دیگر دولت ها و ملت ها را به تغییر در سیاست های خارجی شان وادار نماید. بهره گیری از این ابزار به عصر کنونی در روابط خارجی منحصر نیست؛ بلکه در گذشته نیز دولت ها سعی کرده اند از این طریق دیگران را به تسلیم در مقابل خواسته های خود وادار کنند.

رویکرد اسلام به ابزار اقتصادی به عنوان عامل اساسی در دیپلماسی در قالب تالیف قلوب معنا می یابد. پیامبر گرامی اسلام در روابط خارجی خویش از ابزار اقتصادی نیز برای دعوت و هدایت مردم به دین مبین اسلام تحت عنوان «تالیف قلوب» استفاده می نمود. تالیف قلوب، برگرفته از نص صریح آیه قرآن و برخی روایاتی است که در متون دینی آمده است. (سوره توبه، ۶۰) بنابراین در اصل تالیف قلوب که به مفهوم اختصاص دادن بخشی از غنایم و منابع مالی دولت اسلامی، برای جذب قلوب و ایجاد ذهنیت مثبت در برخی افراد است.

مصرف صدقات منحصر به این هشت گروه است: فقیران، عاجزان، مسکینان، متصدیان اداره صدقات، تالیف قلوب، آزادی بندگان، قرض دادن در راه خدا و برای در راه ماندگان. این مصارف هشت گانه، فرض و حکم خداست. اما در مصداق تالیف قلوب در میان فقهای مسلمان اختلاف نظر هست هر چند در بحث ما این اختلاف بازتاب چندانی ندارد. به هر حال چه این که سهم تالیف قلوب را به کفار و مشرکان غیر معاند با اسلام اختصاص دهیم، یا اعم از کفار مسلمانان مستضعف یا بالعکس بدانیم، وجه مشترک کلیه نظریه ها بیانگر این نتیجه است که در فرهنگ

اسلامی مساعدت‌های اقتصادی، یکی از ابزارهای مشروع دیپلماسی بوده است. به‌طور نمونه پیامبر اسلام در جنگ طایف به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده یا مشرکانی که به حضرت کمک کرده بودند، سهم بیشتری از غنایم را اختصاص داد تا بدین وسیله نظر آنان و قبایلشان را به اسلام جلب کند (نجفی، ۱۳۷۶: ۸۳).

آنچه از آیات قرآن، روایات و سیره پیشوایان معصوم (ع) حاصل می‌شود بر این بحث می‌باشد که تألیف قلوب سهم مشخصی از وجوهات شرعی را به خود اختصاص می‌دهد و فلسفه اصلی و منبع این سهم در شریعت اسلام، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مساعدت و حمایت مالی برای جلب افکار و اذهان افراد و جوامع غیر معاند با مسلمانان است. اعم از اینکه از نظر مصداق این سهم را محدود به کفار غیر معاند سازیم یا مسلمانان مستضعف را نیز مشمول آن قرار دهیم. بر این اساس، دولت اسلامی می‌تواند از بیت‌المال و سرمایه امت در راستای اهداف سیاست خارجی خود استفاده کند. بنابراین در عصر حاضر دولت اسلامی می‌تواند این سهم را در قالب کمک‌های اقتصادی بلاعوض، اعطای وام و دیگر تسهیلات اقتصادی به کار گیرد. (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

۶. ابزار بشر دوستانه: عتق و فک رقبه

از جمله مطالب ارزشمندی که در حقوق بین‌الملل مورد عنایت قرار گرفته و فعالیت‌های مثمر ثمری در رابطه با آن صورت پذیرفته اصل الغای بردگی است که در قوانین اساسی اکثر کشورها گنجانده شده و تمام دولت‌های جهان حمایت و پشتیبانی خود را از اجرای آن اعلام نموده اند. (دفتر همکاری حوزه دانشگاه، ۱۳۷۰: ۱۰۱)

هرچند مسأله آزاد کردن بردگان و اکثر احکام دیگر که در شریعت اسلامی مطرح است، قبل از اسلام نیز در برخی از شرایع آسمانی مطرح بوده است، ولی اسلام باسند نمودن راه‌های بردگی و ترویج فرهنگ تساوی افراد بایکدیگر، بهترین و موفق‌ترین شیوه و ابزار را مورد استفاده قرار داده است. بنابراین، امتیاز اسلام بر شرایع دیگر در پیش فلسفی اسلام نسبت به بردگی در طرح ویژه‌ای است که به صورت طبیعی به آزادی کامل بردگان منتهی می‌شده است. (دفتر همکاری حوزه دانشگاه، ۱۳۷۰: ۱۴۱)

از نظر اسلام، انسان دارای کرامت است و به عنوان اشرف مخلوقات خلیفه خدا در روی زمین می‌باشد. در این شریعت مقدس، اصل بر آزادی انسان بوده و برده داری یک امر عارضی تلقی می‌شود که برخلاف نظام آفرینش خداوند بوده و اسلام به آن به مثابه یک بیماری اجتماعی نگریسته و به مبارزه با آن به پا خاسته است. (موسوی، ۱۳۸۶: ۸)

یکی از ابزارهایی که اسلام برای مبارزه با این بیماری برگزیده است فک رقبه است. فک به معنای آزاد کردن، جدانمودن دو چیز از هم است و رقبه جمع رقاب به معنای بردگان آمده است. عتق را از آن جهت فک گویند که آزاد کننده است و میان بنده و ملکیت جدایی می‌اندازد. (قرشی، ۱۳۶۴: ۱۹۹) با شروع جهاد علیه ستمگران و رژیم‌های کافر، برنامه بسیار منطقی فک رقبه اسلام نیز آغاز شد؛ زیرا پیام اسلام و ارتش اسلامی به برده‌هایی که زیر سلطه حکومت کفار ستمگر زندگی می‌کرده اند این بوده است که برده‌ها به محض پذیرش اسلام سرپیچی از اطاعت صاحبان خود آزاد می‌شوند.

۷. ابزار نظامی: جنگ

جنگ در حقوق بین الملل به برخورد میان دو یا چند دولت که در آن نیروهای مسلح طرفین درگیر اقدامات خشونت آمیز تلقی شوند تعریف می شود. هر چند این تعریف شامل جنگ میان افراد و قبایل نمی شود، چون مصداق دولت نیستند؛ ولی از آن جاکه از دیر باز جنگ و گریز وجود داشته بنا براین می توان تعریف فوق را با حذف دولت مصطلح امروزی، به حاکمیت های قرون گذشته نیز تعمیم داد و بر اساس آن، رفتار مبتنی بر جنگ پیامبر اسلام را بررسی کرد. (شیرخانی، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

پیامبر گرامی اسلام هر چند در ابلاغ رسالت خویش، اصل را بر دعوت مسالمت آمیز گذارده بود، اما در پاره ای از مواقع به سبب شرایط خاص سیاسی و اجتماعی شیوه مسالمت آمیز دعوت آن حضرت، به جنگ و شیوه قهرآمیز منجر می شد، مانند رفتار پیامبر در قبال سران مشرکان قریش که به مخالفت شدید با آن حضرت برخاسته بودند که بابررسی آیات مربوط به جنگ به خوبی می توان دریافت که این رفتار، رفتار دفاعی بوده نه تهاجمی؛ چراکه پیامبر اکرم در طول سیزده سال اقامت خویش در مکه از اصل دعوت بهره جست و در این راه به رغم اذیت و آزار مشرکان از شیوه های دیگر استفاده نکرد. پس از بیعت، بخشی از مردم مدینه در عقبه اولی و ثانی، مسلمانان از هر لحاظ نیرومند شدند و پیامبر با مهیا شدن شرایط زمانی و مکانی و هجرت از مکه به مدینه از سوی خداوند دستور مقابله با کفار قریش و استفاده از رفتار مبتنی بر دفاع را دریافت کرد و آیه زیرنازل شد:

"أذن للذين يقاتلون بأن لهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير" (سوره حج، آیه ۳۹) رخصت دفاع و مقابله با دشمنان اسلام به جنگ جویان داده شد؛ چرا که آنان از دشمن سخت ستم کشیدند و ظلم دیده اند و خداوند بر یاری آنها قادر و تواناست.

به هر حال از آیات قرآن کریم چنین استفاده می شود که جنگ در مکتب اسلام تجویز شده و پیامبر اکرم (ص) نیز آن را به عنوان یک رفتار و یک ابزار در روابط خارجی پذیرفته و از آن بهره جست و استولی دارای شرایط و قواعد خاصی است که می توان آن را در چند بند ذیل خلاصه کرد:

الف. در اکثر آیات قرآن، جهاد و قتال با کفار و مشرکان مقید به قید «فی سبیل الله» شده است. به این معنا که خیر، صلاح و رحمت برای همگان می باشد و در نهایت تعبد و فرمانبری از خالق یکتا صورت گیرد.

ب. باید با کسانی که معترض و مهاجمند مبارزه و جهاد کرد. آیه شریفه "وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم" (سوره بقره، آیه ۱۹۰) مقید به این معنا است که جهاد در حقیقت دفع و رفع تهاجم است با کسانی که فتنه و آشوب برمی انگیزند و خلق خدا را منحرف می کنند و به حقوق و حدود تجاوز می کنند: "وقاتلوهم حتی لا تکنون فتنه" (سوره بقره، آیه ۱۹۳) و در نهایت مؤمنان و پیروان پیامبر برای استقرار قانون و حکومت الله مبارزه می کنند "ویکون الدین لله". (سوره بقره، آیه ۱۹۳)

نتیجه گیری

نقش اسلام در حوزه دیپلماسی و رفتار سیاسی بسیار برجسته است. پیامبر اسلام (ص) به عنوان آخرین سفیر الهی در این زمینه اقدامات ارزنده‌ای انجام داده است. دیپلماسی فعال ایشان از نوادر تاریخ روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. ارسال نامه‌ها و اعزام سفیران به نزد سران کشورهای دیگر و به‌خصوص امپراتوری‌های بزرگ آن زمان اعجاب‌برانگیز است.

سیره و رفتار سیاسی پیامبر اسلام (ص) در زمینه دیپلماسی، چگونگی فرستادن و پذیرفتن سفیران و رعایت حقوق دیپلماتیک می‌تواند الهام‌بخش برای جوامع انسانی به‌ویژه کشورهای اسلامی باشد.

در بررسی دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام با شیوه‌های مناسب و متفاوت از برخوردهای سیاسی آشنا می‌شویم که برخلاف آنچه امروز متداول است، توأم با صداقت، صراحت، سادگی، عدم تظاهر به قدرت، قاطعیت، دلیری و شجاعت است و دانستن و بررسی چنین شیوه‌ای می‌تواند از اهمیت ویژه برخوردار باشد. باتوجه به این ویژگی‌هاست که ضرورت و اهمیت بررسی جایگاه دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام دو چندان می‌گردد. از مباحث ذکرشده نتایجی برای جوامع جهانی و به‌ویژه کشورهای اسلامی دست یافته‌ایم که عبارتند از:

- ۱- شناخت سیره سیاسی پیامبر اسلام (ص) در رابطه با رفتار سیاسی با بیگانگان
- ۲- شناخت ضوابط، معیارها و اصول دیپلماسی اسلام از گفتار و عمل پیامبر اسلام (ص) که خود سند و ضابطه اسلامی است، به این معنی که عمل پیامبر (ص) از یک سو تجربه و راهنماست و از سوی دیگر مستند تشخیص ضوابط اسلامی
- ۳- به‌دست آوردن رهنمودهایی برای تصحیح روشهایی که احیاناً در سیاست خارجی کشورهای اسلامی به تبعیت از عرف بین‌المللی به‌کار گرفته می‌شود که در نهایت می‌توان از آنها برای اسلامی‌تر کردن شیوه‌های اجرایی سیاست خارجی در کشورها بهره‌گرفت و شیوه‌های اجرایی موجود در جهان اسلام را تصحیح کرد.
- ۴- آشنایی با وجوه ضعفی که در عملکرد دولتهای به اصطلاح اسلامی در روابط بین‌المللی دیده می‌شود و مقایسه آن با سیره پیامبر اسلام (ص) که خود به‌خود این نتیجه را دربرخواهد داشت که این کشورها تا چه میزان اسلامی هستند.

منابع:

- ۱- آلا دیوش، علی؛ توتونچیان، غلامرضا (۱۳۷۲). **دیپلمات و دیپلماسی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه
- ۲- ابن فرآ (۱۳۶۳). **رسل الملوك (سفیران)**، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
- ۳- بهزادی، حمید (۱۳۶۸). **اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی**، تهران: نشر دهخدا
- ۴- حسنی، علی‌اکبر (۱۳۷۸). **تاریخ اسلام**، تهران: دانشگاه پیام نور
- ۵- خدوری، مجید (۱۳۸۰). **جنگ و صلح در حقوق اسلام**، تهران: دانشگاه پیام نور
- ۶- جعفریان، رسول (۱۳۶۹). **تاریخ سیاسی اسلام**، قم: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۷- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۲). **دیپلماسی پیامبر (ص)**، تهران: چاپ بین‌الملل
- ۸- دبیری، محمدرضا (۱۳۷۴). **دیپلماسی کاربرد و رویه‌های دیپلماتیک**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل
- ۹- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۰). **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: انتشارات سمت، ج ۲.
- ۱۰- رشید، احمد (۱۳۸۴). **اسلام و حقوق بین‌الملل**، ترجمه سید حسن سیدی بی‌تا، تهران: انتشارات سمت
- ۱۱- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۲). **دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام**، قم: انتشارات بوستان
- ۱۲- سبحانی، جعفر (۱۳۶۷). **مبانی حکومت اسلامی**، ترجمه ابوالفضل موحد، اصفهان: انتشارات امیرالمؤمنین
- ۱۳- ستوده، محمد (۱۳۸۴). **مسأله قدرت و سیاست خارجی دولت نبوی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی
- ۱۴- سیدقطب (۱۳۶۸). **اسلام مصلح جهانی**، ترجمه زین‌العابدین قربانی و هادی خسروشاهی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- ۱۵- شهیدی، سید جعفر (۱۳۵۹). **تحلیلی از تاریخ اسلام**، تهران: انتشارات نهضت زنان ایران، ج ۲.
- ۱۶- شیرخانی، علی (۱۳۸۷). **"دعوت جنگ و صلح در قرآن"**، *مجله علوم سیاسی*، سال ۴، ش ۱۵.
- ۱۷- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). **فقه سیاسی و حقوق معاملات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام**، تهران: انتشارات سمت
- ۱۸- غفوری، محمد (۱۳۸۷). **اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر اعظم (ص)**، تهران: انتشارات اندیشه ورزان
- ۱۹- قرآن کریم، سوره‌های حج، بقره و توبه
- ۲۰- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۶۴). **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵.
- ۲۱- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت
- ۲۲- مالتی، کی، جی (۱۳۷۶). **مبانی تجزیه و تحلیل سیاست خارجی**، ترجمه بهرام مستقیمی، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه
- ۲۳- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۵). **هدایتگران راه نور**، قم: نشر بقیع
- ۲۴- مساعدی، علی (۱۳۸۲). **سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص)**، انتشارات قم
- ۲۵- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴). **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، ترجمه محمود صلواتی، تهران: نشر تفکر
- ۲۶- محمد، حمید... (۱۳۷۴). **نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام**، ترجمه سید محمد حسینی، تهران: انتشارات سروش

- ۲۷- موسوی، محمد(۱۳۸۶)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور
- ۲۸- مورگنتا، هانس جی(۱۳۷۶)، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه
- ۲۹- میانجی، احمد(۱۳۶۳)، مقدمه مکاتیب الرسول، قم، انتشارت یس.
- ۳۰- نجفی، هادی(۱۳۷۶)، توافق و تزامم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی
- ۳۱- نیکلسون، هارولد(۱۳۷۶)، تعامل فی دیپلماسی، ترجمه محمدصادق میرفندرسکی، تهران: سازمان مطبوعاتی مرجان
- ۳۲- سجادی، سید عبدالقیوم(۱۳۹۲)، "دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام"، فصلنامه تخصصی مؤسسه آموزشی باقرالعلوم، سال پنجم، ش ۲۰.
- ۳۳- سجادی، سید عبدالقیوم(۱۳۷۹)، "سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)", فصلنامه تخصصی مؤسسه آموزشی باقرالعلوم، ش ۱۱.
- ۳۴- موسوی، سید محمد یعقوب(بهار ۱۳۸۶)، "سیره پیامبر اعظم در روابط خارجی"، فصلنامه فقه پژوهان، شماره ۱

Archive of SID